

Media Representation of Hacker as an Edge worker: Toward a Cultural Criminological Analysis of Blue Whale Series

Zahra Farhadi Alashti

Ph.D in Criminal Law and criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad, Iran.

Abdolreza Javan Jafari Bojnordi*

Full Professor of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

Seid Mahdi Seidzadeh Sani

Assistant Professor of Criminal Law and criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad, Iran.

Abstract

This study places itself within the scope of cultural criminology approach, a multidisciplinary research field that explores crime and reactions to its control from an anarchist view. Cultural criminology places the issues of meaning in the hearts of its studies. Cultural criminologists propose that both crime and its control operate as cultural processes. In this theoretical approach, *crime and its control* are conceptualized as *creative cultural products* which are changing in the dynamics of social interactions. It examines how the meaning of crime and its control is continuously constructed in the nonlinear cultural, criminal, and crime control processes. It focuses on the convergence of criminal subcultures, control agents and media processes. For cultural criminologists, the media-based images of crime are one of the main sources of mediated constructions of meaning. They emphasize the centrality of media representations in the construction of crime. In this regard, it chooses an interdisciplinary approach with sociological criminology, cultural studies and media Criminology.

This study sought to analyze the media-constructed lived experience of Iranian hackers by using the theoretical approach of cultural criminology. Cultural criminologists draw attention, particularly mainstream variants of criminology, to the fact that the crime control agencies are not the only creators of the meaning of crime and its control. Proposing the idea of commodification and hall of mirrors, they argue that the media representations

* Corresponding Author: Javan-j@um.ac.ir

How to Cite: Farhadi Alashti, Z., JavanJafari Bojnordi, A., & Seidzadeh Sani, M. (2023). Media Representation of Hacker as an Edge worker: Toward a Cultural Criminological Analysis of Blue Whale Series. *Journal of Criminal Law Research*, 11(43), 155-191. doi: 10.22054/jclr.2023.68449.2491.

of criminals and criminal events become a tool for creating the meaning of crime. These images create and consume by criminals, criminal subcultures and control agents. In today's highly controlled world which subcultures become marginalized, media representations become significant, exceptional sources for creating deviant subcultural reality. These images are continuously recycling and reproducing by control agents and subcultures and even other media images. Hence, we are being surrounded in a world in which saturated by different, nonhomogeneous images of crime and its control.

This research is accomplished via anarchist methodology of cultural criminology. To this end, we have used the ethnographic content analysis (-ECA) developed by David Altheide (1980s) and virtual ethnography of hacker subculture. Due to the qualitative nature of the research, the Blue Whale television series were analyzed by using the purposive sampling method. Researches conducted in this area must focus not only on the everyday media images, but also on the complex set of reciprocal and interdependent subcultural relationships which together constitute the dynamic meaning of crime. In this regard, in the subcultural studies section, fifty-four in-depth, semi-structured interviews were conducted with hackers during the six months, and their behaviors were simply observed. All data were coded and analyzed using MAXQDA software.

Our findings indicated that the meaning of the hacking is also created through the consumption of media products. Entertainment media can represent the real dimensions of criminal subcultures in the form of attractive media products. In many ways, Blue Whale blend the real-life and movie created footage and blurs the lines between reality and fantasy. The hacker represents a personality similar to many young people, which can evoke audience emotion. According to our virtual ethnography research, some hackers are students or graduates of various fields, especially computers, who suffer from economic problems like the character of the hacker shown in this series. They are humiliated by powerful adults and at the same time, have a creative mind. The fictional hacker of this film, like many hackers in the real world, feels prosperous and empowered by taking risks as part of edgework activities. The combination of skill, creative impulsive behavior, and economic problems lead the hacker to greater ambitions in the criminal profession, and finally, the metaphorical incident of the death of the whale occurs. Moreover, the Blue Whale provides information about the lesser-known dimensions of criminal edge workers that the criminal justice system seeks to distort to prevent delinquency. It also found that by representing parts of the realities of hackers' lived experiences and looping back to the content and form of previous media loops, the series screening a dystopia that provides the possibility of transcending established norms and rules of the life for the offender and the audience.

| ١٥٧ | **Media Representation of Hacker...; Farhadi Alashti et al.**

Keywords: Blue Whale, Cultural Criminology, Edgework, Representation, Hack.



بازنمایی رسانه‌ای هکر به مثابه‌ی مرزباز: به سوی تحلیل جرم‌شناسانه‌ی فرهنگی سریال نهنگ آبی

دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه
فردوسی، مشهد، ایران.

زهرا فرهادی آلاشتی

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد،
ایران.

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی *

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی،
مشهد، ایران.

سیدمهدی سیدزاده ثانی

چکیده

در این مقاله درصدد هستیم تا به تحلیل برساخت رسانه‌ای زیست مجرمانه‌ی هک‌های ایرانی از دریچه‌ی رویکرد نظری جرم‌شناسی فرهنگی بپردازیم. در این راستا، با پیروی از روش‌شناسی آنارشیستی جرم‌شناسی فرهنگی، از تحلیل محتوای مردم‌شناسانه‌ی فیلم و مردم‌شناسی مجازی خرده‌فرهنگ هک بهره گرفتیم. به علت ماهیت کیفی پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به تحلیل محتوای مجموعه‌ی نمایش خانگی نهنگ آبی پرداختیم. همچنین، در قسمت مطالعات خرده‌فرهنگی در بازه‌ی زمانی شش‌ماهه با پنجاه و چهار هکر جوان مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام دادیم و به مشاهده‌ی ساده‌ی رفتارها پرداختیم. نتایج نهایی پژوهش نشان داده است که مجموعه‌ی نمایش خانگی نهنگ آبی اطلاعات زمینه‌ای درباره‌ی ابعاد کمترشناخته‌شده‌ی مرزبازی (Edgework) مجرمانه ارائه می‌کند که نظام عدالت کیفری در صد تحریف جدایی‌های ارتکاب جرم با هدف پیشگیری از آن است. این مجموعه، با بازنمایی قسمتی از واقعیات زیست مجرمانه‌ی هکرها و حلقه‌زنی رسانه‌ای به محتوا و شکل حلقه‌های رسانه‌ای پیشین، پادآرمان‌شهری را به تصویر می‌کشد که امکان عبور از عرف‌ها و قواعد تثبیت‌شده‌ی زندگی را برای بزهاکار و مخاطب فراهم می‌نماید. یافته‌های این پژوهش علاوه بر اینکه بخشی از کمبود تحلیل نظری در این عرصه را برطرف می‌سازد، با استفاده از دستاوردهای پژوهش میدانی، تحلیلی کاربردی از بازنمایی رسانه‌ای زیست مجرمانه‌ی هکرها و ارتباط آن با زندگی واقعی هکرها نیز ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: بازنمایی، برساخت، هک، مرزبازی، جرم‌شناسی فرهنگی.

مقدمه

تجربه‌های فرهنگی افراد از جرم و نظام عدالت کیفری، بیش از آنکه از مواجهه با آنها ناشی شده باشد، از بازنمایی‌های رسانه‌ای سرچشمه می‌گیرد. انسان معاصر در نتیجه‌ی هجوم تصاویر رسانه‌ای با موجی از «نمایش‌های لفظی و استعاره‌ی روایت‌های درام انسانی، واقعیات اجتماعی و کابوس‌های تباه‌شهر بزهکاران از طریق لنز فناوری» (Yar, 2010: 68) مواجه شده است که قسمتی از درک وی از جهان را تشکیل می‌دهد. صنعت رسانه و سرگرمی^۱ با زدودن عنصر تعرض از موقعیت‌های جنایی، بزهکاری را به مثابه‌ی کالایی در دسترس و بدون خطر به عرصه‌های خصوصی زندگی افراد وارد ساخته است. سرمایه‌داری به عنوان صاحب اصلی چنین ذائقه‌سازی، با رهاندن افراد از ملاحظات اخلاقی یا مسئولیت قانونی ناشی از ارتکاب جرم، تجربیات ساختگی بزهکاری را در قالب محصولات رسانه‌ای «بسته‌بندی» (Hayward & Young, 2012: 126) و در بازار محصولات فرهنگی عرضه می‌نماید. از این دریچه، صاحبان صنعت رسانه و سرگرمی، با عرضه‌ی جذاب تصویر، سبک و بازنمایی فرهنگی بزهکاری قسمتی از تابلوی معنای جرم را می‌سازند.

پیرو افزایش حیرت‌آور دسترسی غیرقانونی به شبکه^۲ و جرایم مرتبط با آن در سالیان اخیر، بنابر آمار بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها،^۳ عرضه‌ی جذابیت‌های جنایی زیست‌هکرها رتبه‌ی نخست بازنمایی رسانه‌ای جرایم سایبری را به خود اختصاص داده است.^۴ به سبب ماهیت مخفی‌خردده فرهنگ‌هکرها، بیشتر دانش ما از این خردده‌فرهنگ رازآلود، از فیلم‌های صنایع رسانه‌ای سرگرمی‌ساز، بازنمایی‌های رسانه‌ای «کارخانه‌های واقعیت‌سازی»^۵ (Presdee, 2004: 276)، یعنی حکومت‌ها، و در موارد بسیار اندکی از بازنمایی‌های هکرها

1. Media and Entertainment (M&E) Industry.

۲. رتبه‌ی نخست جرم هک (۴۵٪) تا اواسط سال ۲۰۲۰ در میان سایر جرایم در دنیا (Verizon, 2020: 7) از جولان حیرت‌آور هکرها حکایت می‌کند.

3. Internet Movie Database (IMDb)

۴. بنابر آمار بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، ۸۹ فیلم و سریال انگلیسی زبان به بازنمایی زیست‌هکرها پرداخته‌اند که ۴۹ مورد از آنها طی یک دهه‌ی اخیر تولید شده‌اند.

5. Fact Factories.

در رسانه‌های ارتباط جمعی (مانند صفحات بدشکل شده^۱ یا پیام‌های چندرسانه‌ای) ناشی می‌شود. در چنین دنیای احاطه شده به وسیله رسانه‌ها، جرم‌شناسی فرهنگی توجه جرم‌شناسان را به محصولات فرهنگی به مثابه دورریختنی‌های فکری جریان رایج جرم‌شناسی جلب می‌کند. این رویکرد نظری جرم و کنترل آن را «محصولات فرهنگی، یعنی ساخت‌هایی خلاقانه» (Hayward & Young, 2012: 113) می‌پندارد که پیوسته در «مدار پیچیده‌ی تعاملات مداخله‌شده» (Ferrell, 1999: 398) میان بزهکاران، کارگزاران کنترل جرم، بازنمایی‌های رسانه‌ها و سایر کنشگران در جریان زندگی روزمره ساخته می‌شود. در همین راستا، آنان مطالعه‌ی همه‌ی اقسام محصولات فرهنگی را که نقشی در ساخت معنای جرم و کنترل آن دارند در «مرکز تحقیقات جرم‌شناسی قرار می‌دهند» (Ferrell et.al, 2008: 158). از این منظر، درک معنای بزهکاری، بدون توجه به عرضه‌ی کالاوار آن در رسانه‌ها ممکن نمی‌باشد.

با وجود تلاش‌های بسیاری از پژوهشگران برای تحلیل دنیای هکرها (Jordan&Taylor, 1998; Taylor, 2005a, 2005b; Chiesa, et.al, 2008; Holt, 2010; Coleman, 2013; Steinmetz, 2016)، آثار اندکی از منظر جرم‌شناسی فرهنگی به این مهم پرداخته اند (Richards & Wood, 2018; Goldsmith & Wall, 2019) و هیچ اثری به تحلیل بازنمایی‌های مداخله‌شده‌ی زیست‌مجرمانه‌ی هکرها در صنعت رسانه و سرگرمی نپرداخته است. در کشور ما نیز با وجود اذعان نیروهای پلیس به افزایش سرسام‌آور جرم هک و جرایم ناشی از آن (مانند فیشینگ، زورگویی سایبری، سرقت سایبری، هتک حیثیت و نشر اکاذیب) (جام‌جم آنلاین، ۱۳۹۸)، کاهش سن هکرها در سالیان اخیر (رادیو گفتگو، ۱۴۰۰) و نیز توان

۱. Deface، به معنای بدشکل‌سازی، از صورت انداختن و ظاهر چیزی را خراب کردن است. در اصطلاح خرده فرهنگ هک نیز به معنای دستکاری در ظاهر سایت پس از نفوذ از طریق حفره‌های امنیتی سرور یا اسکریپت (Script) سایت توسط مهاجم می‌باشد. مهاجم، متناسب با هدف خود، قبل از نفوذ صفحه‌ای بدشکل شده طراحی می‌کند و پیامی (اعم از نوشتاری، صوتی، تصویری یا ترکیبی از آنها) را در آن می‌گنجاند. پس از دسترسی به سایت، صفحه‌ی بدشکل شده در صفحه‌ی اصلی سایت بارگذاری می‌شود. لازم به ذکر است که همه‌ی نفوذگران، از صفحات بدشکل شده استفاده نمی‌کنند. صفحه‌ی بدشکل شده، پیامی از سوی نفوذگر برای همه‌ی مخاطبان، به ویژه صاحب/صاحبان سایت، می‌باشد.

بالای نفوذگران ایرانی بر اساس ارزیابی‌های بین‌المللی،^۱ از یکسو و بازنمایی‌های رسانه‌ای جرم هک در شبکه‌ی نمایش خانگی و صدا و سیما، تلاشی برای «درک جریان‌های معانی فرهنگی سیال» (Ferrell et.al, 2008: 153) این جرم صورت نگرفته است. در چنین فضایی، اگرچه که پیوسته با معانی متعدّد و نامتجانس از خرده‌فرهنگ هک مواجه می‌شویم، دانش ما درباره‌ی چگونگی بازنمایی رسانه‌ای این خرده‌فرهنگ و عرضه‌ی مداخله‌شده‌ی آن بسیار اندک است.

با در نظر گرفتن این ضرورت‌ها، در راستای قسمتی از رسالت جرم‌شناسی فرهنگی «برای روشن ساختن قدرت تصاویر در شکل‌دهی فهم عمومی و برساخت اجتماعی جرم، انحراف و مجازات» (Hayward, 2010: 4) به بررسی چگونگی بازنمایی و قاب‌بندی شخصیت هکر از طریق بازنمایی‌های مداخله‌شده و ارجاعات درون رسانه‌ای و خرده‌فرهنگی صنعت سرگرمی می‌پردازیم. در همین راستا، درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی هستیم که از دریچه‌ی جرم‌شناسی فرهنگی چگونه صنعت رسانه و سرگرمی با عرضه‌ی جذابیت‌های جنایی زیست مجرمانه‌ی هکر، در ساخت خرده‌فرهنگ هک سهیم می‌شود؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، مقاله‌ی حاضر در قالب چهار قسمت سازماندهی می‌شود. پس از تبیین چگونگی کاربست روش‌شناسی آنارشیستی جرم‌شناسی فرهنگی (قسمت نخست) و دیدگاه بازنمایی جرم در این رویکرد نظری (قسمت دوم)، در بدنه‌ی تحلیلی این اثر، یعنی قسمت سوم، در قالب سه بخش، به رمزگشایی الگوهای مداخله‌شده‌ی روایت زیست مجرمانه‌ی هکر در سریال نهنگ آبی خواهیم پرداخت. سرانجام در قسمت چهارم، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۱. به عنوان مثال، بنابر اعلام شرکت امنیت سایبری کروود استرایک با عنوان *زمان شکست*، نفوذگران ایرانی برای عبور از سیستم‌های شبکه پس از دسترسی به آنها با زمان ۵:۰۹:۰۴ در رتبه‌ی چهارم قرار دارند (Crowdstrike, 2019).

۱. روش‌شناسی پژوهش

جرم‌شناسان فرهنگی (Ferrell et.al, 2008; Hayward & Young, 2012; & Young, 2004) با بهره‌گیری از مفهوم دانش خطرناک^۱ سیبلی^۲ (۲۰۰۲: ۱۳۱) و ضد قاعده^۳ فایرابند^۴ (۱۹۹۳: ۲۰)، این رویکرد نظری را گونه‌ای از دانش خطرناک معرفی می‌کنند که به مقابله با حقیقت‌پنداری روش‌شناسی‌های الگوواره‌ی^۵ اثباتی به عنوان یگانه روش مطلوب نیل به حقیقت برمی‌خیزد. از نظر آنها اگرچه آمار و ارقام می‌توانند شمایی کلی از پدیده‌ی مجرمانه و کنترل آن ارائه دهند، با استفاده از آنها نمی‌توان به درک عمیقی از واقعیات اجتماعی جرم و کنترل آن دست یافت. زندگی روزمره‌ی ابژه‌ها مملو از تصاویر جرم و عدالت، آثار اقدامات بزهکاران و سهامداران کنترل جرم است که جریان سیالی از معانی فرهنگی را در خود جای می‌دهند. برای تحلیل این معانی به رویکرد کیفی التقاطی (Ferrell, 1999: 401) نیاز داریم تا با توجه به موضوع مورد مطالعه، از ساحت‌های گوناگون و نامتجانس معانی

۱. سیبلی (۲۰۰۲) با طرح مفهوم طرد دانش خطرناک (Dangerous knowledge) بر آن است که توجه اندیشمندان علوم اجتماعی را به نقش روابط قدرت در تعیین مرزهای تولید دانش، کنترل شیوه‌های تولید آن و عدم پذیرش یا نادیده‌انگاری اندیشه‌های تهدیدکننده‌ی منافع صاحبان قدرت جلب نماید. به نظر وی (۲۰۰۲: ۱۳۱)، دانش خطرناک در بردارنده‌ی «ارزش‌هایی است که بنیان اخلاقی الگوهای حاکم بر جامعه را زیر سؤال می‌برد. مجدداً، قدرت مسئله‌ای اساسی است، زیرا نهادی است که توان تعریف دانش مشروع و تمیز ادعاهای رقیب، به عنوان ادعاهای منحرفانه و خطرناک، را دارد».

2. Sibley.

۳. فایرابند با انتقاد از حقیقت‌پنداری علوم یا روش تحقیق خاص، بر تکثرگرایی منابع یافت حقیقت و اصل همه چیز ممکن است، تأکید می‌نمود. در باور وی، سنت‌های علمی ابزاری برای شناخت واقعیت و توسعه‌ی آگاهی‌های ما هستند. هر یک از این ابزارها نقص‌هایی دارند، نقص‌هایی که برای پیشرفت ضروری هستند و موجبات شکل‌گیری پارادایم‌های جدید را فراهم می‌کنند. بنابراین، روش‌ها برتری بر یکدیگر ندارند و از حقوق مساوی برخوردار هستند. در همین راستا، به ضد قاعده (Counter rule) اشاره می‌کند. ضد قاعده بر سلطه‌ی روش‌های رایج تولید حقیقت می‌شورد و از سنت‌های جدیدی بهره می‌برد. «ضد قاعده توصیه می‌کند که فرضیه‌هایی ناسازگار با نظریه‌های ثابت‌شده یا واقعیات مسلّم را معرفی و تبیین کنیم» (فایرابند، ۱۹۹۳: ۲۰).

4. Feyerabend.

5. Paradigm.

فرهنگی غافل نماند. به همین سبب، همسو با توصیه‌ی فرل^۱ (۱۹۹۹)،^۲ در مقام تحلیل معنای بازنمایی رسانه‌ای از ساخت خرده‌فرهنگی زیست مجرمانه‌ی هکر غافل نماندیم و تحلیلی یک‌سویه ارائه نخواهیم داد. در ادامه، به تبیین این ابعاد خواهیم پرداخت.

۱-۱. گردآوری داده‌ها

برای واسازی^۳ معانی سیال متون رسانه‌ای به جهت‌گیری روش‌شناسی نیازمندیم که «توانایی احاطه و درک معنی، تأثیر، موقعیت، قدرت و کارآیی نمادین و نمایش در همان قاب محصول را داشته باشد» (Hayward, 2010: 3). در همین راستا، پیشگامان (Ferrell et al., 2008: 188) این رویکرد نظری، روش تحلیل محتوای مردم‌نگارانه (Altheide, 1987; Altheide & Schneider, 2013) را معرفی می‌کنند. مفهوم مردم‌نگاری در این شاخه از تحلیل محتوا دقیقاً به همان مفهوم عام مردم‌نگاری، یعنی مطالعه‌ی نظام‌مند گروه‌های مردم و فرهنگ‌های آنها، اشاره می‌کند. در این روش، پژوهشگر به بررسی متون رسانه‌ای، و نه

1. Ferrell.

۲. فرل (۱۹۹۹) پژوهش‌های موجود در این رشته را از حیث روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به سه دسته تقسیم نمود. دسته‌ی نخست این پژوهش‌ها که بخش چشمگیری از مطالعات جرم‌شناسی فرهنگی را تشکیل می‌دهند، در پارادایم جامعه‌شناختی فهم جرم‌شناسانه ریشه دارند. دسته‌ی دوم، با تکیه بر پوشش رسانه‌ای بزه و کنترل آن، به واسازی تصاویر جرم و کنترل آن می‌پردازند. بسیاری از جرم‌شناسان فرهنگی از این دو سنت برای تحلیل معنای جرم استفاده می‌کنند. با وجود این، از نظر وی، جرم‌شناس فرهنگی باید با توجه به زمینه‌ی مورد مطالعه در صورت امکان از هر دو جهت‌گیری برای کشف معانی سیال جرم بهره‌برد. او می‌تواند از رویکردهای پیشین استفاده کند و در مقام تحلیل معنای جرم، از دستاوردهای سایر عرصه‌ها نیز بهره‌برد. روش‌هایی مانند التقاط تحلیل محتوای اسناد، متون رسانه‌ای، مشاهده‌ی مردم‌شناسانه و مصاحبه در این گروه جای می‌گیرند.

۳. منطق واسازی (Deconstruction) بر سیالیت معانی تأکید می‌کند و مستعد تفاسیر تکثرگرایانه‌ی فرهنگی است. واسازی با فروپاشی تمام یا بخشی از متن به اجزای ابتدائی‌اش، درصدد آشکار ساختن معانی متضاد و متناقض آن نظام است. دریدا در مقام تعریف واسازی اینگونه اذعان می‌دارد، «چیزی ساخته شده است، مثلاً یک نظام فلسفی یا یک سنت یا یک فرهنگ و کسی می‌خواهد آن را آجر به آجر خراب کند تا بنیادهای آن را تحلیل کند و آن را مستحیل نماید» (ضیمران ۱۳۷۹: ۴۳). زبان‌شناس پسا‌ساختارگرا سرپوش‌ها و پنهان‌کاری‌هایی را که مبانی و شالوده‌ی نظام بر روی آنها ابتدا شده‌اند، رابطه‌ی بین دال و مدلول را تداعی می‌کنند و باعث عقلانی جلوه دادن معانی می‌شود هویدا می‌کند و به این صورت، اقتدار نظام را به چالش می‌کشد. البته، واسازی پس از انتقاد، دوباره معانی جدیدی را وارد نظام‌ها می‌کند.

انسان‌ها، می‌پردازد. از این منظر، متون رسانه‌ای محیطی نمادین هستند که نگرش‌ها، عقاید، طرز فکر و هویت افراد در آن ساخته می‌شود. به علت ماهیت کیفی پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده کردیم و مجموعه‌ی نمایش خانگی نهنگ آبی را برگزیدیم. این مجموعه، پس از هوش سیاه، دومین سریال تولیدشده در فضای رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نخستین سریال شبکه‌ی نمایش خانگی است که زیست مجرمانه‌ی هکری جوان را به تصویر می‌کشد. نهنگ آبی سریالی سی قسمتی به سرمایه‌گذاری سعید ملک‌ان، شرکت‌های رسانه‌ای خصوصی هنر اول و فیلیمو و به کارگردانی فریدون جیرانی و نویسندگی بهرام توکلی محصول سال ۱۳۹۷ است.

برای درک معانی خرده‌فرهنگ جوانی هکر، در راستای ایده‌ی فهم جرم‌شناسانه حرکت کردیم. جرم‌شناسان فرهنگی از مفهوم وبر^۱ فهم^۲ (وبر، ۱۹۷۸: ۴-۵) برای درک عمیق تجربه‌های زیسته‌ی سوژه‌ها وام می‌گیرند و بر این باورند که جرم‌شناس باید به فهم جرم‌شناسانه از زیست خرده‌فرهنگی بزهکاران دست یابد. برای نیل به این هدف، جرم‌شناس فرهنگی «باید تا جایی که می‌تواند خود را در معرض تعامل، و شاید در داخل جریان تعامل [تأکید از ماست]، قرار دهد» (Ferrell, 1997: 15). با این حال، در مواردی که به تشخیص جرم‌شناس «مشارکت مستقیم میزان غیرقابل تحمیلی از تهدید، خشونت یا خطر اخلاقی را به همراه دارد ... [او از طریق] مصاحبه‌های متمرکز و سایر تکنیک‌هایی است که ممکن است منجر به برساخت مجدد خیالی فهم مجرمانه شوند» (Ferrell, 1997: 15) خود را در معرض و نه در داخل جریان تعامل قرار می‌دهد.

به علت چالش‌های اخلاقی و قانونی فراوان برای مشارکت مستقیم در حملات هک از مشاهده‌ی مشارکتی اجتناب نمودیم و به ضابطه‌ی فهم جرم‌شناسانه‌ی ابتکاری پایبند ماندیم. بدین منظور در بازه‌ی زمانی ۶ ماهه، از اول اسفند ۱۳۹۸ تا ۳۰ مرداد ۱۳۹۹، از بسترهای تلگرام، اینستاگرام و توئیتر به عنوان بسترهای برخط محبوب کاربران ایرانی، برای مردم‌شناسی فوری سایبری بهره بردیم. ۵۴ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته‌ی عمیق حضوری و

1. Weber.

2. Verstehen.

اینترنتی به مدت ۶۵ ساعت و ۳ دقیقه انجام شد. مصاحبه‌شوندگان از طریق روش گلوله برفی و همچنین با توجه به شهرت‌شان مورد شناسایی قرار گرفتند. در ابتدای هر مصاحبه عدم وابستگی سازمانی پژوهشگر به نظام عدالت کیفری و هدف از انجام مصاحبه اعلام می‌شد. همچنین، ضمن اجتناب از پرسش از هویت مصاحبه‌شوندگان، محرمانگی داده‌های احتمالی مبنای هویت واقعی آنها نیز مورد تأکید قرار می‌گرفت. بنابر نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، همانگونه که برخی دیگر از پژوهشگران (Taylor, 1998: 767; Jordan & Taylor, 1998: 177; Holt, 2005: 34) نیز اذعان داشتند، خرده‌فرهنگ هک غالباً مردم‌محور است. ۹۲.۶٪ (۵۰ نفر) از نمونه‌ی مطالعاتی مرد و ۷.۴٪ (۴ نفر) زن بودند^۱ (جدول شماره‌ی ۱).

دسته‌بندی	تکرار	درصد
گروه سنی	۱۸-۲۱	۳۳.۳
	۲۲-۲۵	۱۴.۸
	۲۶-۳۰	۲۲.۲
جنسیت	جوان ^۲	۲۹.۶
	زن	۷.۴
تحصیلات	مرد	۹۲.۶
	دبیرستان	۳.۷
	دیپلم	۳۳.۳
	کارشناسی	۲۵.۹
	کارشناسی ارشد	۵.۶
اعلام نشده	۱۷	۳۱.۵

جدول شماره‌ی ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

۱. لازم به ذکر است که این پژوهش پرتره‌ای تمام عیار از خرده‌فرهنگ هک نیست، چراکه ما نیز همانند سایر مردم‌شناسان مجازی صرفاً توانستیم با آن دسته از هک‌هایی که مایل به مصاحبه بودند (تعداد: ۵۴) گفتگو کنیم و هک‌های پنهانکار (تعداد: ۶۷) را دربر نمی‌گیرد. آنچه به تعبیر گروهی از هکرها که با حمله به مصاحبه‌گر و تهدید به آزار وی اذعان داشتند «ما می‌خوایم ناشناخته بمانیم، نمی‌خوایم کسی دنیای ما رو بشناسه».
۲. بعضی از مصاحبه‌شوندگان به دلایل امنیتی مایل به ذکر سنشان نبودند و اذعان داشتند در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ قرار دارند.

به موازات انجام مصاحبه‌ها، با بهره‌گیری از مشاهده‌ی ساده در بازه‌ی زمانی یادشده در غالب ساعات شبانه روز به معاشرت با هکرها و رصد فعالیت‌های آنها (اعم از هکرهای مصاحبه‌شونده و سایر هکرها) پرداختیم. در زمان مشاهده، در آن دسته از گروه‌هایی که شرطی برای عضویت نبود، مشاهده‌گر همچون سایر اعضا به صورت ناشناس مشاهده می‌کرد. در غیر اینصورت، با اعلام هویت و هدف مشاهده، در صحنه حضور می‌داشت. همچنین، مشاهده‌گر به مشاهده‌ی اقدامات مستقل هکرهای ایرانی و پیام‌های درج شده توسط آنها می‌پرداخت.

۲-۱. تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای مردم‌شناسانه فیلم و مردم‌شناسی مجازی هکرها، به شیوه‌ی تحلیل مضمونی شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) حول مضامین گوناگون مستخرج از چهارچوب‌های مفاهیم نظری تحلیل شدند. تحلیل مضمونی روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. در این شیوه، پژوهشگر پس از آشنایی با متن (مرحله‌ی نخست)، به کدگذاری اولیه داده‌ها پرداخته (مرحله‌ی دوم) و سپس با مرتب کردن کدها در قالب مقوله‌هایی که ریشه در مبنای نظری دارند، در جستجوی مضامین پایه‌ی داده‌ها (مرحله‌ی سوم) برمی‌آید. سپس پایایی و روایی مقوله‌ها را سنجیده (مرحله‌ی چهارم)، مضامین اصلی را تعیین می‌کند (مرحله‌ی پنجم) و در نهایت به تدوین گزارش می‌پردازد (مرحله‌ی ششم).

پس از تهیه‌ی پروتکل جمع‌آوری داده‌ها و آشنایی با متن (مرحله‌ی نخست)، با توجه به ماهیت انعکاسی، و نه خطی، روش‌های مردم‌شناسی (Altheide, 1987: 68)، از روش‌های کدگذاری دو مرحله‌ای بهره گرفتیم. در دور نخست کدگذاری، از کدگذاری موقتی (Saldaña, 2013: 144) استفاده کردیم. در این مرحله به ترتیب ۴۵ و ۵۶ کد موقتی شناسایی شدند و پس از بهسازی و حذف به ترتیب به ۱۰ و ۸ کد کاهش یافتند. در دور دوم کدگذاری از روش کدگذاری الگویی (Saldaña, 2013: 266) استفاده نمودیم (مرحله‌ی

1. Braun & Clarke.

دوم). سپس در مرحله‌ی سوم، کدها در قالب سه مضمون نهایی قرار گرفتند و اشباع نظری حاصل شد. در خصوص اعتبارپذیری تحقیق، از راهبردهای چندگانه‌ای نظیر تماس مستمر با محیط پژوهش، نظریات و تحقیقات مختلف، کنترل داده‌ها و تحقیقات مشابه کمک گرفته شد. در خصوص قابلیت اعتماد نیز از اقداماتی همچون برگه‌ی راهنمایی مردم‌شناسی، تهیه‌ی فهرست مصاحبه‌شوندگان، مقوله‌های استنتاج‌شده از داده‌ها و یاری گرفتن از آثار پژوهشگران در ساخت مقوله‌ها استفاده شد. در مرحله‌ی چهارم، به مرور مضمون‌های ابتدایی پرداختیم، آنها را اصلاح کردیم و سپس توسعه دادیم. در مرحله‌ی آخر، گزارش نهایی را نوشتیم.

۲. مبانی نظری پژوهش

جرم‌شناسان فرهنگی، برخلاف باورمندان به نظریات هژمونیک و تأثیر رسانه‌ای، توجه جرم‌شناسان را به سیالیت معانی جرم و کنترل آن جلب می‌نمایند. آنان بر این باورند که نگرش‌های ایستا، تک‌بعدی و فرمولی برخی از نظریات پیشین (Ferrell et.al, 2008: 125). به تنهایی یاری تبیین معنای بزهکاری در دنیای اشباع‌شده از رسانه‌ها را ندارند. امروزه، معنای جرم و کنترل آن در جریان برهم‌کنش‌های پیوسته‌ی کنشگران اجتماعی، بزهکاران، رسانه‌ها و کارگزاران کنترل جرم در حال ساخته شدن است. محصولات رسانه‌ای به ساخت، و نه انعکاس، واقعیت جرم و کنترل آن می‌پردازند (Ferrell and Sanders, 1995: 308). آنان از مفهوم حلقه‌های رسانه‌ای برای اشاره به واقعیت درهم‌آمیخته‌ی تصاویر جرم و کنترل آن در دوران معاصر بهره می‌گیرند. حلقه‌ی رسانه‌ای «به معنای دوباره به تصویر کشیدن یک تصویر، عمل رسانه‌ای رایج و شاید ضروری است» (Manning, 2018: 211). قسمتی از برساخت رسانه‌ای جرم و کنترل آن، تکرار دلالت‌های پیشین هستند. در چنین حالتی ما علاوه بر تصاویر، با «تصاویر تصاویر» (Ferrell, Hayward, & Young, 2008: 82) نیز مواجه هستیم. حلقه‌های رسانه‌ای پیشین (اعم از ساده یا پیچیده)^۱ توسط تولیدکنندگان معانی «به

۱. گاه تصاویر پیشین بدون تغییر ژانر، همچنان تکرار می‌شوند (حلقه‌های رسانه‌ای ساده) و گاه آنچنان در متن جدید ترکیب می‌شوند که تشخیص حلقه‌های پیشین از جدید دشوار می‌گردد (حلقه‌های رسانه‌ای پیچیده).

تصاویر قابل استفاده بازیابی می‌شوند، در بستری جدید بازتولید و تجربه می‌شوند» (Manning, 2018: 211). از این منظر، پیوسته با موجی از محصولات رسانه‌ای در مورد جرم و کنترل آن مواجه هستیم که لزوماً واقعیت را بازتاب نمی‌دهند. حلقه‌های رسانه‌ای پیوسته پردازش می‌شوند، در معرض بیش‌نمایی، کم‌نمایی یا تحریف قرار می‌گیرند و بینامتنیت‌های^۱ پیچیده‌ای را شکل می‌بخشند. جرم‌شناسان فرهنگی از این دنیای رسانه‌ای مملو از حلقه‌های رسانه‌ای و فرهنگی^۲ (همچون تصاویر ارائه‌شده توسط نیروهای نظام‌عدالت کیفری و خرده‌فرهنگ‌ها) با تعبیر «تالار آینه‌های مداخله‌شده»^۳ یاد می‌کنند (Ferrell and Sanders, 1995: 14). تالار آینه‌های مداخله‌شده «جایی است که تصاویر به صورت بی‌وقفه یکی پس از دیگری پرش می‌کنند» (Ferrell, 1999: 397) و سعی در شکل بخشی به

۱. تنوع جریان‌ها و اندیشه‌ها در مورد بینامتنیت (Intertextuality)، ارائه تعریفی یکسان در مورد آن را غیرممکن می‌سازد. برای نخستین بار کریستوا در مقام تشریح آراء باختین، واژه‌ی بینامتنیت را در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ی «کلمه، گفتگو و رمان» بکار برد. از نظر وی، «بینامتنیت به هیچ وجه به معنای بررسی حضور محسوس و قابل ردیابی یک متن در متن دیگر و بازتولید آن نیست ... روابط بینامتنی موجب می‌شود تا یک متن تلاقی‌بخشی‌هایی از متن‌های دیگر باشد» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۱۲). به عنوان نمونه، شخصیت اصلی سریال نهنگ آبی، آرمین، از برخی از جهات یادآور شخصیت الکس در فیلم هکر (۲۰۱۶) است. برخلاف کریستوا، بارت توجه ویژه‌ای به خوانش مخاطبان از متون داشت و به بینامتنیت خوانشی اشاره می‌کرد. از نظر بارت، «فهم یک متن و لذتی که از آن می‌بریم، عاری از روابط بینامتنی نیست» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۶۲). بارت به متن‌های پیشینی که مخاطب آنها را درک کرد، اهمیت بسیاری می‌دهد. مخاطب متن جدید را از رهگذر متن‌های پیشین درک می‌کند. به بیان دیگر، متن‌های پیشینی بر خوانش یا خوانش‌های پسینی مخاطب اثر می‌گذارند. گویا چندین متن وجود دارد. یکی متنی که نویسنده نوشته و دیگری، متنی که مخاطب از رهگذر دانش و تجربیات خود آن را درک می‌کند. به عنوان نمونه، نحوه‌ی ادراک مخاطب از شخصیت هکر جوان سریال آقای ربات، با توجه به متون فرهنگی (به ویژه رسانه‌ای) پیشینی که با آن سرو کار داشته است و تجربیات زیسته‌ی وی، متفاوت خواهد بود.

2. Cultural Loops.

3. Mediated Hall of Mirrors.

پدیده‌ی مورد اشاره دارند.^۱ آنان با بهره‌گیری از مفهوم مارپیچ‌های رسانه‌ای^۲ به تأثیر حلقه‌های رسانه‌ای در فرآیندهای کلان ساخت معانی جمعی جرم و کنترل آن در طول زمان اشاره می‌کنند. در دنیای اشباع‌شده از رسانه‌های معاصر فقط با افزایش جرایم کپی‌شده^۳ مواجه نیستیم، بلکه بحث بر سر «اثر متقابل پیوسته‌ی رسانه‌ها، بزهدکاری و نظام عدالت کیفری بر یکدیگر است» (Ferrell, 2010: 251). امروزه معانی جرم و کنترل آن پیوسته در حال ساخته شدن هستند. برخی از حلقه‌های رسانه‌ای چندین مداخله‌شده^۴ به زندگی اجتماعی افراد راه می‌یابند (Ferrell, 2013: 62) و با توجه به بسترها و وقایع در جریان ارتباطات زندگی روزمره در هزارتویی از معانی قرار می‌گیرند که لزوماً با معانی مخابره‌شده به وسیله‌ی صاحبان رسانه‌ها همسو نیستند. در چنین دنیایی، مارپیچ‌های معانی «در نظام‌های با عقاید گسترده‌تری قرار می‌گیرند و معانی در قالب آنها ساخته می‌شوند» (Ferrell & Websdale, 2009: 356). ورود به دنیای مارپیچ‌ها به معنای ورود به ساحت‌های نامتجانس معانی در زندگی روزمره است، در چنین حالتی معانی رسانه‌ای در بطن «فرهنگ و زندگی روزمره در گردش خواهند بود» (Ferrell et.al, 2008: 3-4) و می‌توانند سبب ایجاد روابط بینامتنی خوانشی گوناگون و نامتجانسی شوند. به بیان دیگر، در دنیای معاصر با رهگیری مارپیچ‌های معانی در برخی از موارد «به سوی غافلگیری و عدم قطعیت حرکت می‌کنیم» (Hayward, 2010: 6). این

۱. لازم به ذکر است که نباید مفهوم حلقه‌های تکرارشونده‌ی رسانه‌ای را هم‌راستا با حاد واقعیت (Hyper reality) مدنظر بودریار پنداشت. بودریار (۱۹۸۸: ۱۶۶)، حادواقعیت‌ها را اموری بسیار شبیه به واقعیت، و نه امر واقعی، می‌پنداشت که به کمک بازنمایی‌های رسانه‌ای مرزهایش گسترش می‌یابد. در حالی که، از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، به موازات هجوم تصاویر رسانه‌ای، در نتیجه‌ی عواملی چون افزایش دانش مردم، هرزرقنگی، تعارض یا بی‌توجهی به معانی حادواقعیت‌ها نمی‌توانند تنها منشأ ادراک معانی پدیده‌ها باشند. از همین رو، تالار آینه‌های مداخله‌شده، دنیایی مملو از حادواقعیت‌ها و واقعیت‌ها است. دنیایی «که در آن واقعیت ریز و درشت جرم، خشونت و عدالت کیفری روزمره به طور خطرناکی با باز نمود خود محدود می‌شود» (Ferrell, et.al, 2008: 130).

2. Media spirals.

۳. جرم کپی‌شده (Copycat crime) به جرمی اطلاق می‌شود که با الگوبرداری یا الهام از جرایم به نمایش درآمده توسط رسانه‌ها انجام می‌شود.

4. Multimediated.

مارپیچ‌ها می‌توانند در جهت تشدید یا تضعیف معانی ارائه‌شده‌ی پیشین حرکت کنند یا معانی جدیدی بیافرینند.

جرم‌شناسان فرهنگی این مارپیچ را به علت جهت‌ناپذیر بودن به نوار مویوس^۱ تشبیه می‌کنند (Ferrell et.al, 2004: 3-4). از نظر آنان بازنمایی‌های رسانه‌ای می‌توانند همچون نوار مویوس رابطه‌ی بین درون و بیرون را وارونه کنند. مارپیچ‌های معانی ضمن ساخته شدن، می‌توانند مبنای ساخت معنای جرم و کنترل آن نیز قرار بگیرند. «تصاویر رسانه‌ای ایجادشده در مورد بزهکاری غالباً در طول زمان به عنوان دلایل حقوقی، مبنایی برای تولیدات محصولات صنعت سرگرمی یا خوراکی‌هایی برای گزارش‌های خبری قرار می‌گیرند» (Ferrell, 2009: 221). به عنوان مثال، صنعت رسانه و سرگرمی این قابلیت را دارد تا با «نمایش مستمر تصاویر فریبنده و خوشایند از ارتکاب جرم و اسطوره‌سازی از مجرمان» (فرجیها، ۱۳۸۵: ۸۰)، مخاطبان را به سمت مارپیچی از معانی متفاوت در مورد بزهکاری و تمایل به تجربه‌ی معانی ارائه‌شده سوق دهند. در چنین حالتی، «بازار به جای تلاش برای کاهش هیجان و تحریک‌هایی که برای شمار فراوانی از افراد به سان نوشدارویی مرجح نسبت به تزلزل هستی‌شناختی‌شان است، به سوی تشدید، تحسین و مهمتر از همه جاسازی چنین احساساتی حرکت کرده است» (Hayward & Young, 2012: 128). به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۳ جذابیت بازنمایی رسانه‌ای شخصیت هکر در فیلم آقای ربات^۲ را اینگونه توصیف می‌کرد: «این فیلم آزادی یا بدبختی که به هکر به جامعه ارائه می‌دهد، اطلاعات بالایی که به هکر باید داشته باشد، نامحدود بودن به هکر، قدرتمند بودن به هکر (که البته توی این فیلم هکر به شخصیت ضعیفی داره) و من در کل از آدم درونگرا خوشم میاد، توی این فیلم هم شخصیت اصلی به ادم درونگرا بود، منم دوست داشتم همچین شخصیتی داشته باشم، به همین خاطر الیت الدرسن شد الگوی زندگی من».

۱. نوار مویوس حلقه‌ای است که از پیچاندن نوار مستطیل شکل به وجود می‌آید. در این نوار لبه‌ی انتهایی قبل از وصل شدن به لبه‌ی دیگر نیم دور چرخانیده می‌شود و حلقه‌ای را به وجود می‌آورد. سطح به دست آمده تنها یک رو دارد.

۲. رامی سعید ملک (Rami Said Malek) بازیگر نقش الیوت آلدرسن (Elliot Alderson) در فیلم آقای ربات (Mr. Robot) بود.

۳. یافته‌های پژوهش: به روی پرده انداختن هک به مثابه‌ی مرزبازی مجرمانه

چهارچوب روایتی سریال نهنگ آبی بر ایده‌ی مرزبازی^۱ مجرمانه بنا نهاده شده است. ورود این مفهوم به حوزه‌ی جامعه‌شناسی خطر، مرهون تلاش‌های استفان لینگ^۲، جامعه‌شناس آمریکایی، است. از نظر وی (۱۹۹۰؛ ۲۰۰۴) فعالیت مرزی^۳، مفهوم روانشناختی اجتماعی است که به خطرپذیری‌های اختیاری مبتنی بر مهارت اشاره می‌کند. مرز^۴ به «زندگی در مقابل مرگ، هوشیاری در برابر بیهوشی، عقل در برابر جنون» (Lyng, 1990: 857) اشاره می‌کند. مرزباز با فرارفتن از معیارهای رفتار پذیرفته‌شده‌ی اجتماعی، مرزها را به بازی می‌گیرد. لازمه‌ی حرکت بین مرزها «احساس توانایی کنترل موقعیت‌های منتج به آشفتگی» (Lyng, 1990: 859) است. لذت عبور از مرزها با حس کنترل آشفتگی‌های احتمالی (اعم از آسیب، مرگ، نظارت و توبیخ نهادهای کنترلگر) تکمیل می‌شود. مرزبازها با مهارت ناشی از توانایی‌های فردی (همچون قدرت برنامه‌ریزی، توانایی حل فوری مسئله و پیش‌بینی مخاطره) و/یا ابزاری (همچون تجهیزات فنی) موقعیت‌های مخاطره‌آمیز را در آغوش می‌گیرند.

۱. در نوشتگان فارسی اجتماعی بر ارائه‌ی معادلی برای واژه‌ی Edgework وجود ندارد. برخی از نویسندگان معادل «فعالیت حاشیه‌ای» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)، برخی «رفتارهایی که در مرز فعالیت‌های مجاز و غیرمجاز قرار دارند» (فرجیها، و الله‌وردی، ۱۳۹۳: ۹۴) و برخی دیگر «کارهای لبه‌تیغی» (ملک محمدی، ۱۳۹۵: ۱۹۰۶) را پیشنهاد کرده‌اند. حتی دشوار بودن ارائه‌ی معادلی مانوس برای مخاطب پارسی زبان برخی از نویسندگان را بر آن داشت تا از همین واژه‌ی انگلیسی استفاده کنند و با ساده‌سازی این مفهوم، Edgework را «بیان‌کننده‌ی جنبه‌های ابرازی و عاطفی جرم» بدانند (صادقی فسائی، ۱۳۹۳: ۸۷). پیشنهاد واژه‌ای که بیان‌کننده‌ی مقصود لینگ باشد، دشوار است. ما از مفهوم کلیدی لینگ برای معادل‌آفرینی استفاده کردیم. لینگ بر رکن مرز تأکید می‌کند و صراحتاً Edge را برابر با Boundary به معنای مرز، برمی‌شمرد (Lyng, 1990: 855). در همین راستا، به علت تأکید وی از واژه‌ی کلیدی مرز استفاده کردیم و برگردان فعالیت مرزی را برای Edgework برگزیدیم. همچنین، لینگ به هنگام توصیف اقدامات داوطلبان، از «مذاکره در مورد مرزها» (Lyng, 1990: 857) به صورت عملی سخن می‌گوید؛ یعنی فرد، داوطلبانه بین مرزها در رفت و آمد است و مرزها را به بازی می‌گیرد. به همین علت برای Edgeworker معادل مرزباز را انتخاب کردیم. امید است با افزایش نوشتگان فارسی جرم‌شناسی فرهنگی شاهد ارائه‌ی ترجمه‌هایی روانتر از این واژه باشیم.

2. Stephen Lyng.
3. Edgework activity.
4. Edg.

لینگ با بهره‌گیری از مفهوم از خودبیگانگی^۱ مارکس و من‌اندami^۲ هربرت مید^۳ فرانزیه‌ای برای تبیین چرایی روی آوردن برخی از مردم، به ویژه جوانان، به مرزبازی ارائه داد. از نظر وی، طبیعت دیالکتیکی خودانگیختگی-محدودیت، ایده‌های مارکس و مید را به یکدیگر پیوند می‌دهد. مارکس و مید بر این باور هستند که فعالیت‌های آزاد و خودانگیخته در بستر ساختارهای محدودکننده ظاهر می‌شوند. لینگ با بهره‌گیری از مفهوم خودبیگانگی مارکس توجه جرم‌شناسان را به معضل از دست دادن توانایی تعیین سرنوشت بسیاری از انسان‌های معاصر جلب می‌کند. مارکس بر این باور بود که در بسیاری از مشاغل نظام سرمایه‌داری، ارزش مصرفی^۴ متبلور در نیروی کار منجر به گسترش توانایی تعیین سرنوشت وی نمی‌شود. نیروی کار می‌آفریند و در عین حال «جانی که به شی‌داده است، خود را به عنوان نیروی بیگانه و خصمانه در برابر او قرار می‌دهد» (Giddens & Held, 1982: 14). از این منظر، کار صرفاً وسیله‌ای برای امرار معاش است و انسان بر مبنای درک خویش از جهان (اعم از طبیعت، دیگران و خود) عمل نمی‌کند.

نتایج مطالعات میدانی لینگ (Lyng, 1990: 882) مؤید این نکته بود که اشتیاق به تجربه‌ی مرزبازی در بین افرادی که درجه‌ی بالایی از خودبیگانگی را تجربه می‌کردند، فراوان بود. این دسته از افراد در مقایسه با دیگران، تمایل بیشتری برای شکوفایی استعدادهای سرکوب‌شده داشتند. در دنیای معاصر که الگوهای نهادینه‌شده و کنترل‌های هنجاری در مقابل واکنش‌های تکانشی داوطلبانه قرار می‌گیرند، «مرزبازی در زمره‌ی محدود فعالیت‌هایی است که تعیین سرنوشت فرد وابسته به استعدادهایش است» (Lyng, 1990: 873). لینگ بر خلاف مارکس بروز این توانایی را منوط به تحقق جامعه‌ی اشتراکی نمی‌داند.^۵ او با

1. Alienation.
2. I.
3. Herbert Mead.
4. Use value.

۵. مارکس، انگلس و پلخانف (۱۳۸۶: ۳۶۰) بر این باور هستند که در جوامع غیراشتراکی فرصت شکوفایی استعدادها و آزادی شخصی فقط برای افرادی که تحت شرایط طبقه‌ی حاکم و تا مرزهای مجاز الگوهای رفتاری آن طبقه رفتار می‌کنند، مهیا است. در جامعه‌ی اشتراکی، کار از قلمرو ضرورت به قلمرو آزادی می‌رسد. مارکس در جلد سوم سرمایه قلمرو ضرورت را به عنوان پایه‌ای برای شکوفایی قلمرو آزادی قرار می‌دهد. «انسان اجتماعی شده، تولیدکنندگان

بهره‌گیری از اندیشه‌ی مید، محرکه‌ی فعالیت‌های مرزی را در من اندامی می‌دید که به وسیله‌ی میل به رهایی از الزامات تحمیلی برانگیخته می‌شد.^۱ من اندامی، خود تکانشی انسان است که بدون عبور از صافی ارتباطات اجتماعی «در لحظه در حال وقوع است، اتفاق می‌افتد و به نوعی جذاب‌ترین بخش تجربه‌ی ما است. آنجاست که تازگی پدید می‌آید و مهم‌ترین ارزش‌های ما در حیطه‌ی آن قرار دارند» (Mead, 1956: 250-251).

اگرچه لینگ کاربرد مفهوم فعالیت‌های مرزی را به خطرپذیری‌های داوطلبانه‌ی مادی محدود نساخته است، تا به امروز خطرهای فیزیکی مورد بررسی قرار گرفتند (Lyng, 2004; Ferrell, 2005; Laurendeau, 2006) و در نوشتگان دانشگاهی (Goldsmith & wall, 2019: 8) اشارات گذرایی به ماهیت مرزبازی جرم دسترسی غیرمجاز شده است. همچنین، بازنمایی رسانه‌ای هکر به مثابه‌ی مرزباز مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، در این قسمت برآنیم تا ساخت رسانه‌ای هکر به مثابه‌ی مرزباز را مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۱. خطرپذیری در آغوش مهارت مجرمانه

نهنگ آبی برخلاف محصولات رسانه‌ای پربیننده مرتبط با خرده‌فرهنگ هک مانند دونده بر روی تیغه^۲ (۱۹۸۲) و مجموعه فیلم‌های ماتریکس^۳ (۲۰۲۱-۱۹۹۹) به بسته‌بندی رسانه‌ای

همبسته، بر سوخت و ساز انسانی با طبیعت به شیوه‌ای عقلانی حاکم هستند و آن را تحت کنترل جمعی خود می‌آورند، به جای اینکه توسط آن به عنوان نیروی کور تحت سلطه قرار گیرند؛ و این امر را با صرف کمترین انرژی و در شرایطی که شایسته و مناسب طبیعت انسان باشد تحقق می‌بخشند» (Marx, 1992: 959). اما، قلمرو راستین آزادی، که به تکامل نیروهای انسان به عنوان غایتی در خود، است از فراسوی قلمرو ضرورت آغاز می‌شود.

۱. در مقابل من اندامی، من اجتماعی (Me) قرار دارد. من اجتماعی، «مجموعه‌ی سازمان‌یافته‌ی نگرش‌های دیگران است که فرد تصور می‌کند» (مید، ۱۹۵۰: ۱۷۵). افراد این مجموعه نگرش‌ها را درونی‌سازی می‌کنند و بر اساس تجربیاتی که داشتند، مطابق با آن رفتار می‌کنند. بنابراین، من اجتماعی همچون معیار و ترازوی است که افراد از آن برای ارتباطات اجتماعی‌شان استفاده می‌کنند و برخلاف من اندامی، محدودکننده است.

2. Blade Runner.

3. The Matrix.

مرزبازی مجرمانه در قالب سبک سایبر پانک^۱ نمی‌پردازد. کارگردان با بهره‌مندی از ایده‌ی پنجاه قدم تا مرگ بازی نهنگ آبی، پیرنگ^۲ داستان را بر محوریت عبور هکر از مرزهای واقعی الگوهای نهادینه‌شده‌ی زندگی اجتماعی طراحی می‌کند. او گره‌های داستانی نخست را بر مبنای بخشی از واقعیات زندگی روزمره‌ی هکرهای جوان طراحی می‌کند. نقطه‌ی شروع عبور آرمین از مرزهای مهندس امنیت شبکه به سمت مرزهای هکر غیرقانونی، پذیرش درخواست آناهیتا برای هک سیستم نادر (قسمت ۱) برای تسلط بر وی بود. پیرو تهدید به مرگ توسط مروارید در صورت هک نکردن سیستم شرکت و مبادله‌ی داده‌ها با وی (قسمت ۱)، هکر به مرزهای زندگی در مقابل مرگ نزدیک می‌شود و حرکت استعاری وی در بازی نهنگ آبی آغاز می‌شود. در چنین لحظاتی، نهنگ آبی بینامتنیتی پیچیده با دیگر حلقه‌های رسانه‌ای و بخشی از خرده‌فرهنگ هک در مورد کالایی شدن داده‌های شخصی افراد برای تسلط مادی بر آماج ایجاد می‌کنند.

به موجب یافته‌های مردم‌شناسی مجازی ما نیز برخی از هکرها از داده‌های شخصی آماج برای تسلط مادی بر آنها استفاده می‌کردند.^۳ آنها به کالایی شدن اطلاعات و تقاضای فراوان

۱. سایبرپانک (Cyberpunk) یکی از زیرشاخه‌های ادبیات علمی-تخیلی است. در این سبک پادآرمان شهری فناورانه در آینده‌ی نزدیک به تصویر کشیده می‌شود که در آن ضدقهرمانان از طریق ارتباط با سیستم‌های متصل به شبکه، در دنیای واقعی فساد ایجاد می‌کنند و نظم اجتماعی را برهم می‌زنند.

۲. پیرنگ (Plot) به سازمان و ترتیب طرح وقایع و اتفاقات با تأکید بر روابط علت و معلولی در اثر ادبی یا هنری گفته می‌شود. پیرنگ، در حقیقت همان طرح بی‌رنگی است که طراحان و معماران، با مدادی کم‌رنگ بر روی بوم نقاشی یا کاغذ و صفحه‌ی دیجیتال ترسیم می‌کنند و با توجه به آن شروع به طراحی طرح اصلی می‌کنند. پیرنگ، بر خلاف داستان، مخاطب را از علل اتفاقات آگاه می‌کند.

۳. در مقابل این گروه برخی از جامعه‌ی آماری با کنجکاوی بی‌حد و حصری، در صدد دسترسی به اطلاعات محرمانه‌ی آماج برای تسلط ذهنی بر آنها استفاده می‌کردند. آنها به تعبیر منتور، کنجکاوی برای آگاهی از اطلاعات محرمانه را «زرنگی کردن برای شناختن» می‌پنداشتند (کیه‌زا و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۴۴). در باور آنها کنجکاوی با هدف نیل به تسلط ذهنی/غیرملموس، فرصتی برای آگاهی از ابعاد کمترشناخته‌شده‌ی شخصیت افراد و/یا وقایع پیرامونشان فراهم می‌آورد. «... برا پارترنم، رئیس، همکار برای همه شنود می‌داشتم، می‌فهمیدم چیکار می‌کنن، قضیه چیه» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳۸)، «انگار یه دوربین قوی داری، همه‌چی رو می‌بینی، از پشت پرده، خود واقعی آدم‌ها رو می‌شناسی» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۶).

برای خرید و مصرف آن (با اهدافی مانند بی‌آبروسازی، انتقام‌جویی و کسب منفعت مالی) اشاره می‌کردند. در برخی از موارد هکر، خود متقاضی این داده‌ها بود. چنانچه از دیدگاه اقتصاد سیاسی مارکسیستی بنگریم، داده‌ها ارزش مصرفی داشتند و هکر برای مصرف یا مصارف مورد نظر خود از آنها استفاده می‌کرد. «کامپیوتر مدیر کل مجموعه رو هک کردم و روش شنود گذاشتم ... حقوق ما رو نمی‌داد و شاخ و شونه می‌کشید ... صداشو پخش کردم» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳۸). در برخی دیگر از موارد داده‌ها برای هکر ارزش مبادله‌ای^۱ (مارکس، ۱۹۹۰) داشتند. به موجب این نوع ارزش، فروشنده کالا را برای مبادله و نه برای مصرف شخصی خود، تولید می‌کند یا می‌خرد و با توجه به نیاز مصرف‌کننده و خود، آن را با کالای مصرف‌کننده مبادله می‌کند (همان؛ آرون، ۱۳۹۰: ۱۷۸). در قسمت‌های نخست نهنگ آبی نیز، داده‌ها برای هکر فاقد ارزش مصرفی بودند، لیکن متقاضیانی از درون هیأت مدیره وجود داشت که این اطلاعات برایشان ارزشمند بود. آرمین همانند سایر هکرها با توجه به ارزش داده‌ها، آنها را مبادله می‌کرد.^۱

هک سیستم نادر به درخواست مروارید یا تهدید به مرگ (قسمت‌های ۲ و ۱)، هک سیستم بهمن و شرکت (قسمت‌های ۸، ۴، ۳) قتل بهرام توسط آرمین (قسمت ۳)، هک و انتشار تصاویر و فیلم‌های خصوصی دکتر اخلاقی (استاد نامدار دانشگاه) با معشوقه‌ی اتریشی‌اش (قسمت ۵)، آشنایی با پرویز و کشیدن نقشه‌ی قتل وی (قسمت‌های ۱۲ تا ۱۵)، سبب قتل غزل (قسمت ۲۱) و هاله (قسمت ۲۳) و تسویه حساب‌های درون شرکت (قسمت ۲۶) همگی از نتایج عبور از مرز نخستین هستند. این گره‌های داستانی به عرضه‌ی اشکال شدید مرزبازی مجرمانه می‌پردازند. اشکال شدید مرزبازی «تهدیدی جدی برای سلامت جسمانی یا روانی فرد یا احساس تمامیت او هستند ... عدم موفقیت فرد در مواجهه با چالش منجر به مرگ یا دست کم، آسیب ناتوان‌کننده می‌شود» (Lyng, 1990: 857). در تمام

۱. امروزه این اطلاعات، غالباً در وب‌تاریک و گاهی در محیط‌های عمومی اینترنت (مانند کانال‌های تلگرام) در معرض فروش گذاشته می‌شوند. «... اطلاعات رو بکاپ می‌گیرم و بعداً بهشون می‌گم ... بستگی به اطلاعات داره. این لیست اخیر رو ۷ میلیون، ۸ میلیون. اول به خود شرکت می‌گم. اگر جدی نگیرن به یکی دیگه می‌فروشم» (مشاهده‌ی صحبت هکر کلاه سفید با کلاه سیاه).

لحظات مرزبازی، کنش صعودی و نقطه‌ی اوج پیرنگ بر توانایی فنی هکر برای حل مشکلات (الف) و توانایی ذهنی وی برای پیش‌بینی مخاطرات^۱ (ب) متکی هستند. او در تمام مسیر زیست مجرمانه با استفاده از مهارت فنی و ذهنی مخاطرات احتمالی را ارزیابی می‌کند، چند گام از دیگر سوژه‌ها جلوتر می‌رود، خود را از مهلکه می‌رهاند و بدین گونه مراحل پنجاه‌گانه‌ی نمادین بازی نهنگ آبی را یکی پس از دیگری طی می‌کند.

بنابر نتایج مردم‌شناسی مجازی ما، شمار فراوانی از جامعه‌ی تحت مطالعه به علل گوناگونی (از جمله دانش اندک، عوامل کنترل‌گر درونی و بیرونی) امکان تجربه‌ی چنین شدتی از اقسام گوناگون مرزبازی مجرمانه برایشان وجود ندارد. در گزارش‌های نظام عدالت کیفری و اخبار جنایی نیز آمار بسیار اندکی از ارتکاب توأمان جرایم سایبری، جرایم کلان اقتصادی، جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی بازنمایی می‌شود. نهنگ آبی، همراستا با بیشتر آثار صنعت رسانه و سرگرمی تصویری از مرزبازی هکرها در تالاری از آینه‌های مداخله‌شده عرضه می‌کند. در اقتصاد مصرف‌گرای صنعت سرگرمی، بازنمایی اشکال خفیف مرزبازی مجرمانه سودآوری نخواهد داشت. این وضعیت مصادیقی از بروز جامعه‌ای است که بک از آن با عنوان جامعه‌ی خطر یاد می‌کند. در جامعه‌ی خطر که «پیامدهای ناشناخته و ناخواسته، به نیرویی مسلط در جامعه و تاریخ تبدیل می‌شوند» (بک، ۱۳۹۷: ۵۰)، افراد در بستر خطراتی که توسط خود مدرن‌سازی تولید شده و باید از آن پیشگیری کرد، زندگی می‌کنند. در این حالت، شاهد فرآیند دیالکتیکی غیرخطی پیشگیری و استقبال از خطر هستیم. به موازات اینکه حداقل‌سازی خطرپذیری مجرمانه به رویکرد محوری کنترل جرم تبدیل گردیده و شاهد کاربست تدابیر مبتنی بر «جرم‌شناسی پیش‌بینی‌مدار» (Farrington, 1996) هستیم، فرهنگ عرضه و تقاضای خطرپذیری‌های ساختگی مرتبط با جرم و کنترل آن در صنعت سرگرمی مقبولیت بیشتری یافته است. صنعت سرمایه‌داری مرزبازی مجرمانه را بهداشتی‌سازی و به مثابه‌ی محصول فرهنگی مطلوب عرضه می‌دارد. در

۱. شخصیت هکر در این سریال، حداقل تا قسمت نوزدهم، به عنوان دانای کل معرفی می‌شود و با توجه به توانایی‌هایش نسبت به بسیار از اتفاقات هوشیار و آگاه است.

چنین حالتی، ضمن تلاش برای پیشگیری از خطر واقعی بزهکاری، از خطر ساختگی استقبال می‌شود. برخلاف مخاطرات واقعی، استقبال از مخاطرات ساختگی نکوهیده نیست و جامعه‌ی مصرف‌کننده در قالب‌هایی همچون نقد و ارزیابی یا جشنواره‌های فیلم به ارزشیابی آن می‌پردازند.

با این وجود این تالار مملوء از آینه‌های مداخله‌شده، از حادواقعیت پوشانیده نشده است. داشتن توانایی فنی و ذهنی برای مرزبازی مجرمانه، از مشخصه‌های اصلی خرده‌فرهنگ هک است. اقدام به خطرپذیری بدون وجود این توانایی‌ها منجر به پایان زیست مجرمانه‌ی فرد می‌شود. «دقیقاً مثله بازی می‌مونه فقط یکبار حق داری بری، بعدش اصلاً امنیت نداره، پورتا و باگا فیکس می‌شه» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲۹). البته، داشتن مهارت مجرمانه به معنای توانایی کامل هکر برای کنترل مخاطرات احتمالی نیست. مطالعات مردم‌شناسی مجازی ما همسو با یافته‌های لینگ (۱۹۹۰: ۸۵۹) بر عدم توانایی مرزبازها برای کنترل کامل آثار جانبی فعالیت‌های پرخطر صحه می‌گذارد. مرزبازها در بهترین حالت قادر به کنترل نسبی مخاطرات ناشی از خطرپذیری‌ها هستند. مهارت مجرمانه امری نسبی است و به همین سبب آثار جانبی بخش جدایی‌ناپذیری از مرزبازی است. «یک شطرنجی هست بین مسئول امنیت کمپانی و کسی که می‌خواد نفوذ کنه، هر کدوم قشنگتر از اسکرپیت‌ها و ترفندهاشون استفاده کنن، برنده‌ی بازی میشن ... گرفتیم، سه ماه و خوردی حبس»^۱ (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۵). در نهنگ آبی نیز، با وجود مهارت چشمگیر هکر، او قادر به کنترل تمام آثار جانبی نیست و تعلیق‌های بعدی نیز بر مبنای همین امر طراحی شدند. به عنوان نمونه، دسترسی غیرمجاز و افشای فیلم‌های روابط دکتر اخلاقی با معشوقه‌ی پنهانی‌اش، در نهایت منجر به خودکشی همسر، جنون و مرگ دخترش شد. «همسر خالقی خواهر بهممنم بود، اون یکی از نقطه‌های حساب نشده‌ای بود که خیلی چیزا رو عوض کرد» [دقیقه‌ی ۴ قسمت هشتم].

۱. قسمتی از مصاحبه به دلیل صحبت هکر در مورد تجربیاتش برای هک یکی از نهادهای مهم حکومتی حذف شده است.

۳-۲. نابرابری اقتصادی به مثابه‌ی نیروی محرکه‌ی خطرپذیری‌های داوطلبانه‌ی

مجرمانه

جرم‌شناسان فرهنگی پویایی سبب‌شناختی را رهبری می‌کنند که به دنبال بازتفسیر رفتار بزهکاران از طریق توجه به پیچیدگی‌های ذهنی افراد، موقعیت آنها در ساختار اجتماعی و ارتباطات اجتماعی در فرهنگ معاصر است. آنها بر این باورند که عوامل پیش‌زمینه‌ای احساسی و عصبان ارتباط تنگاتنگی با تجربیات روزمره‌ی محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و احساسی قوی بزهکارانه دارند (Hayward & Young, 2004: 267). در همین راستا، با انتقاد از «عقلانیت علمی» (Presdee, 2000: 202) حاکم بر جرم‌شناسی جریان اصلی، توجه جرم‌شناسان را به عقلانیت خرده‌فرهنگی جلب می‌کنند. از نظر آنها بزهکاران با توجه به زمینه‌ای که در آن زیست می‌کنند، درون خرده‌فرهنگ مجرمانه جرم را به امری عقلانی تبدیل می‌کنند. در همین راستا، نهنگ آبی به بازنمایی ویژگی عقلانیت خرده‌فرهنگی کسب منافع نامشروع اقتصادی نزد برخی از اعضای خرده‌فرهنگ هک می‌پردازد. هکرها، برخلاف کارگزاران کنترل جرم، با توجه به شرایط زندگی‌شان ارتکاب جرم را ابزاری عقلانی برای برون‌رفت از شرایط نامساعد برمی‌شمرند. نتایج مردم‌شناسی مجازی ما مؤید یافته‌های پژوهش گلداشمیت (۲۰۰۵: ۱۴) است که برخی از هکرها از هک به دلیل «عدم توانایی پرداخت هزینه‌ها»، به عنوان «ابزاری برای کاستن هزینه‌ها» و «ذخیره‌ی پول» استفاده می‌کنند. برای مثال، مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳۷ بیان می‌کرد: «می‌خوام مهاجرت کنم، به پولش نیاز دارم، پولاً رو ذخیره می‌کنم». در همین راستا، کارگردان با حلقه‌زنی رسانه‌ای پیچیده به فیلم هکر (۲۰۱۶) و حلقه‌زنی فرهنگی به واقعیت خرده‌فرهنگ هک، هکر نخبه‌ای را در بستر اقتصادی و خانوادگی آشفته‌ای به تصویر می‌کشد که به تعبیر مارکس برای عبور از قلمروی ضرورت، مرزهای قواعد نهادینه‌شده‌ی تولید ثروت مشروع را به بازی می‌گیرد. کارگردان در قالب صحنه‌هایی مانند عدم توانایی پرداخت هزینه‌ی درمان پدر، اجاره‌ی خانه و خرید لباس مورد علاقه در صدد نمایش احساس فشار ناشی از عدم موفقیت مادی است. او با آفرینش دوگانه‌ی پدر نویسنده‌ی ناتوان از پرداخت هزینه‌های درمان و مادر بزهکاران یقه

سفید، روایت مأنوس دوگانه‌ی زندگی پاک‌دستانه و غیرپاک‌دستانه را به تصویر می‌کشد. او با نمایش قدرت سرمایه‌داران برای درنوردیدن پله‌های موفقیت از طریق ارتکاب جرم (مانند پرداخت رشوه، حساب‌های بانکی ساختگی، جرایم مالیاتی، بی‌آبروسازی، تهدید و مرگ) غلبه‌ی سازکارهای غیررسمی برای دستیابی به موفقیت مادی را به تصویر می‌کشد. چنانچه از دیدگاه مرتون (۱۹۳۸، ۱۹۵۷) بنگریم، در این فیلم موفقیت مادی هدف فرهنگی است که آرمین با استفاده از ابزارهای نهادینه‌شده توان دسترسی به آن را ندارد. هدف فرهنگی آرمین، کسب ثروت است. «برای علاقم کار میکنم، علاقم پول» (قسمت ۵). آرمین و بسیاری دیگر از هکرها با توجه به تجربه‌ی زیسته‌شان، عقلانیت خرده‌فرهنگی مختص به خود برای دستیابی به این هدف فرهنگی را می‌آفرینند. با «توجه به همین زمینه‌ها، ممکن است تلقی افراد از مفهوم منفعت به هیچ وجه یکسان نباشد. جرم‌شناسی فرهنگی تأکید می‌کند که عقلانیت زمینه‌مند است و آن را باید با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی تفسیر کرد» (الله‌وردی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). در همین راستا، کارگردان تباه‌شهری ایده‌آل بدون حضور نیروهای نظام عدالت کیفری را به تصویر می‌کشد که فرصت‌های بی‌شماری را برای ارتقای وضعیت مالی به ارمغان می‌آورد. با عبور آرمین از قلمروی ضرورت، او به «قلمرو راستین آزادی» (Marx, 1992: 959) گام می‌نهد. «قلمرو راستین آزادی، که به تکامل نیروهای انسان به عنوان غایتی در خود منجر می‌شود، از فراسوی قلمروی ضرورت آغاز می‌شود» (Marx, 1992: 959). کارگردان با حلقه‌زنی رسانه‌ای ساده به جمله‌ی کلیدی الکس در فیلم هکر، از دیالوگ وی بهره می‌برد. الکس عبور از مرزهای قلمروی ضرورت را اینگونه توصیف می‌کنند: «پول آدما را تغییر نمی‌ده، خود واقعی‌شون رو برملا می‌کنه» (فیلم هکر، ۲۰۱۶). آرمین نیز هنگام نیل به قلمروی راستین آزادی مجرمانه که با عبور از مشکلات اقتصادی همراه است اذعان می‌دارد: «پدرم برای زنده موندن ماسک موش سر به زیر رو انتخاب کرده بود. منم این کارو کردم تا کسی درون وحشیم رو نبینه. تو اون روزا من تغییر نمی‌کردم. فقط داشتم اون ماسک موشو از رو صورتم بر می‌داشتم» (قسمت ششم).

۳-۳. احساسات جنایی: شکوفایی و خلاقیت

انسان معاصر در بسیاری از ابعاد زندگی روزمره تحت حاکمیت فرهنگ کنترل قرار دارد. او در نتیجه‌ی «گسترش امنیت خصوصی، سرعت گرفتن تقنین کیفری و بازتولید شدن عقده‌های جرم» (گارلند، ۱۳۹۷: ۳۴۹)، زنجیرهای کنترلگر بیشتری را برای پابندی به مرزهای زندگی اجتماعی احساس می‌کند. او در قفس آهنین جدیدی محبوس است که دانش، سرمایه‌داری و نظام بوروکراتیک میله‌های آن را تشکیل می‌دهند. این «تحرّج ماشینی‌شده» (وبر، ۱۳۸۵: ۱۹۱) بدون توجه به آزادی و فردیت افراد، درصدد پرورش «متخصصان عاری از روح» (وبر، ۱۳۸۵: ۱۹۱) و بی‌توجه به معنا است و به از دست دادن توانایی تعیین سرنوشت بسیاری از افراد منجر می‌شود. در همین راستا، جرم‌شناسان فرهنگی توجه جرم‌شناسان را به انسانیت‌زدایی از علت‌شناسی رفتار مجرمانه جلب می‌کنند. آنان با بهره‌گیری از تلاش‌های فکری کتز (۱۹۸۸)^۱، از انحصار علت‌شناختی ارتکاب پدیده‌ی مجرمانه به توجیحات ساختاری، محیطی و عقلانی انتقاد کرده و با در نظر داشتن توأمان عوامل زمینه‌ای و پیش‌زمینه‌ای ارتکاب جرم، بر نقش احساسات در جهت‌دهی بازیگران اجتماعی به سوی بزهکاری تأکید می‌نمایند. آنها با ترکیب اندیشه‌های کتز با سنت فرهنگی موجود در درون جرم‌شناسی (Hayward & Young, 2012: 123) پویش سبب‌شناختی را

۱. کتز (۱۹۸۸) در اثر مشهور خود با عنوان فریبندگی جرم: جذابیت‌های اخلاقی و احساسی شرارت، انحصار علت‌شناختی ارتکاب پدیده‌ی مجرمانه به توجیحات عقلانی را زیرسؤال برد. او از عدم توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی بزهکار، فارغ از علل ساختاری، در هنگام ارتکاب جرم تجربه می‌کند، پرداخته نمی‌شود. وی با استفاده از رهیافت‌های جامعه‌شناختی پدیدارشناختی و تعامل‌گرایی نمادین هوارد بکر (۱۹۵۳) و دیوید ماترا (۱۹۶۹)، نظریه‌ای مستقل را تحت عنوان فریبندگی (seduction of crime) جرم مطرح کرد. کتز پیشنهاد می‌کند که علت ارتکاب پدیده‌ی مجرمانه را می‌توان در عبور از مرزهای اخلاقی جستجو کرد. بزهکاران با عبور از مرزهای اخلاقی احساس شکوفایی می‌کنند. تجربه‌ی چنین احساسی برای همگان در جریان زندگی روزمره بدون ارتکاب بزه دشوار است. اگرچه تأکید فراوان کتز بر عوامل پیش‌زمینه‌ای و کمینه‌نمایی عوامل پس‌زمینه‌ای، پاشنه‌ی آشیل نظریه‌ی وی می‌باشد، لیکن او با تبیین چگونگی عبور از مرزهای اخلاقی، کمبود و نقص علمی موجود در جریان غالب جرم‌شناسی برای ارائه‌ی تحلیلی روانشناختی از محرک‌های احساسی شروع و پایداری بزهکاری را برجسته ساخت.

رهبری می‌کنند که «در صدد روشن ساختن جنبه‌های تاریک ارتباط میان جرم و احساسات انسانی در دنیای به شدت عقلانی شده‌ی معاصر» (Hayward & Young, 2004: 1) است.^۱ مفهوم من اندامی نهفته در قطبیت دیالکتیکی خودانگیختگی_محدودیتِ فرانظریه‌ی مرزبازی لینگ، افق‌های جدیدی برای تحلیل ابعاد احساسی خطرپذیری‌های داوطلبانه، خروج افراد از سلطه‌ی عوامل کنترلی و ایجاد دگرگونی‌های خرد و کلان در زندگی باز می‌کند. با توجه به شرایط خاص زندگی افراد، میزان غلظت من اجتماعی و میزان تسلط هنجارهای اجتماعی بر آنها، من اندامی مرزبازها در جریان مرزبازی خود را نشان داده و چه بسا به دگرگونی در موقعیت اجتماعی و رقم زدن سرنوشتی جدید بینجامد. از همین رو، به نظر لینگ هر گونه خطرپذیری داوطلبانه را نمی‌توان مرزبازی دانست. علی‌رغم ویژگی‌های گوناگون مرزبازی، احساس خودشکوفایی و قدرت ناشی از عبور موفقیت‌آمیز از مرزها به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی مرزبازی گزارش شده است (Lyng, 1990: 860; Ferrell, 2005). در همین راستا، کارگردان در صدد ساخت مارپیچی از جذابیت‌های زیست مجرمانه‌ی هکرها و احساسات آنها است که کارگزاران کنترل جرم با تحریف آنها یا نمایش عواقب ناخوشایند این لذات کوتاه‌مدت، در صدد کاهش تمایل جوانان برای تجربه‌ی هیجان‌ات مجرمانه هستند.

چنانچه از دید تحلیل روانشناسانه‌ی مید (۱۹۶۴) بنگریم، حرکت استعاری آرمین برای غلبه بر شرایط دشوار اقتصادی از من اندامی وی تأثیر می‌پذیرد. آشنایی آرمین با «شرکت شیطان و شرکاء»، به تعبیر آنهایتا در قسمت دهم، فرصتی برای بالارفتن از نردبان‌های فرصت و نزدیک شدن به قلمرو راستین آزادی را فراهم کرد. بنابر نتایج مردم‌شناسی مجازی ما، شخصیت هکر در نهنگ آبی و فیلم هکر (۲۰۱۶)، به ترتیب آرمین و الکس، ارتباط بینامتنی فراوانی با واقعیات زندگی روزمره‌ی محبوسین در قلمروی ضرورت برقرار می‌کنند. برخی از هکرها به گاه خروج از قلمروی ضرورت، نقاب از چهره برمی‌دارند و پوست‌اندازی

۱. از پیامدهای چنین نگرشی می‌توان به توکد «جرم‌شناسی پوست» (Criminology of the Skin) و «جرم‌شناسی لذات مجرمانه» (Criminology of Criminal Pleasures) اشاره کرد.

می‌کنند. آنها به موازات کسب مزایای مالی، پا به قلمروی جدیدی می‌گذارند که از دریچه‌ی روانشناسی مید منجر به شکوفایی آنها در حرفه‌ی مجرمانه و کشف ابعاد جدیدی از استعدادهایشان می‌شود. آرمین با پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز هر موقعیت مخاطره‌آمیز، احساس شکوفایی بیشتری می‌کند. «کم کم داشتم می‌فهمیدم که آدمای دنیای واقعی که منو می‌ترسوندن ازم قوی‌تر نیستن. بهم احتیاج دارن، این حس قدرت حالمو خوب می‌کرد» (قسمت دوم).

نتایج مردم‌شناسی مجازی ما نیز مثبت وجود چنین احساسی در بین هکرهای جوان است. مصاحبه‌شوندگان پیوسته به هجوم آدرنالین و تجربه آنچه گو^۱ (۱۹۹۴، ۳۷۵) از آن با اصطلاح «به اوج رسیدن» یاد می‌کرد، اشاره می‌کردند. آنها به شکوفایی استعدادها و توانایی‌هایی اشاره می‌کردند که در چهارچوب‌های دنیای مادی آن را تجربه نکرده بودند. نفوذ غیرقانونی فرصتی کم‌نظیر برای زیرپا گذاشتن مرزهای امنیت شبکه و کشف ابعاد جدیدی از خود محبوس در قفس‌های ذهنی و اجتماعی را فراهم می‌ساخت. «با هر موفقیت انگار یک لول آپ می‌شی» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳۲). «حس افزایش قابلیت بهم می‌ده» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳۹)، «انگار هر روز کاملتر می‌شم» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵). این احساس خودشکوفایی منجر به عبور از مرزهای ذهنی و خطوط ایده‌های جدیدی می‌شود.^۲ در چنین حالتی، «ترس جای خود را به احساس نشاط و قدرت می‌دهد. فرد با گذر از چالش احساس می‌کند که می‌تواند با هر موقعیت تهدیدآمیزی کنار بیاید» (Lyng, 1990: 860). بسیاری از افراد جامعه‌ی مورد مطالعه و همچنین شخصیت هکر بازنمایی شده در فیلم، با تکیه بر نیروی قدرت برخاسته از این احساس، ابعاد جدیدی از توانایی‌هایی را کشف می‌کردند که بسان نیروی محرکه‌ای برای آنها عمل می‌کرد و با احساس موفقیت ناشی از این حس، حملات بعدی را طرح‌ریزی می‌کردند. به عنوان نمونه، در قسمت سوم شاهد

1. Gove.

۲. از دیگر سکانس‌های مهم نمایش‌دهنده‌ی این احساسات می‌توان به سرخوشی ناشی از آلوده به ویروس ساختن کامپیوتر شرکت و بهمین و تخریب فیلم‌های دوربین مداربسته (قسمت‌های ۷ تا ۱) و موفقیت در حل معماهای چالش مرگ یا زندگی جهان (قسمت‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹) اشاره کرد.

گفتگوی ذهنی آرمین و هجوم ایده‌ها برای حرفه‌ای‌گری مجرمانه هستیم: «بعضی ایده‌ها وقتی تو سرت شکل می‌گیرن که مغزت تو مرز جنون باشه. فرار کردنم از ماجرای قتل، مغزم رو بکار انداخته بود، با راه افتادن سایت همزمان هزارتا فکر به سرم زد، من داشتم وارد یه زیرزمین بزرگ و تاریک می‌شدم».

به موازات آگاهی او و اطرافیان از توانایی خارق‌العاده‌ی من اندامی‌اش، از الگوهای ایجادشده بهره می‌برد و نقشه‌ی راه را ترسیم می‌کند. آرمین در گره‌های روایتی فراوانی که نویسنده خلق می‌کند، تکانشی عمل می‌کند و تا آخرین قسمت، هر چند با دشواری‌های فراوان، از مرزها می‌گذرد. به عنوان نمونه، در دو سکانس آلوده ساختن کامپیوتر متصل به شبکه برای پاک ساختن حافظه‌ی جانبی و اجرای معمای کتاب مگنولیا (قسمت ۱۷)، این توانایی حیرت‌آور فنی و ذهنی قابل مشاهده است. او در آشفته‌ترین شرایط ممکن، که کارگردان با بهره‌گیری از ضرباهنگ تند، ضرب و جرح‌ها سعی در به تصویر کشیدن آن داشت، از خطر پیشگیری می‌کند و هر چند به صورت کوتاه‌مدت، احساس رهایی می‌کند. کارگردان ورود استعاری به مرحله‌ی انتهایی (پنجاهم) بازی نهنگ آبی را نیز بر همین احساس گره می‌زند. او مرزبازی را به تصویر می‌کشد که پس از رسیدن به قلمرو راستین آزادی و جان سالم به در بردن از مخاطرات کشنده، در صدد جستجوی معنایی جدید است. مرگ نهنگ در این مجموعه، با حضور اختیاری هکر در قلمرو ناملموس حضور نیروهای پلیس به تصویر کشیده شده است.^۱

۱. در انتهای این قسمت لازم به ذکر است، همانگونه که لینک نیز اذعان داشته احساس مهارت مجرمانه در کنترل خطرپذیری‌های داوطلبانه بین مرزبازها مشترک است. تغییر در ادراک گذر زمان و عدم توجه به محیط (لینک، ۱۹۹۰: ۸۶۱)، رشد احساس همانندی با اشیا (لینک، ۱۹۹۰: ۸۸۲) از جمله مواردی است که لینک در بین برخی از مرزبازها یافت. نتایج مردم‌شناسی مجازی ما نیز مؤید همین نکته است. برخی از مرزبازها همواره و برخی دیگر به ندرت و با توجه اهمیت آماج این احساسات را تجربه کرده اند، در حالی که گروه سوم هیچگاه این احساسات را تجربه نکردند. کارگردان نهنگ آبی نیز پیرنگ اصلی داستان را بر مبنای خطرپذیری‌های داوطلبانه‌ی مبتنی بر مهارت هکر طراحی کرده و با توجه به اهمیت مرزبازی، در برخی از صحنه‌ها، تمرکز بالای هکر بر حملات و عدم توجه به محیط پیرامونی را به تصویر کشیده است.

نتیجه

جرم‌شناسان فرهنگی توجه جرم‌شناسان جریان اصلی را به این نکته جلب می‌کنند که کارگزاران نظام عدالت کیفری، یگانه سازندگان معنای جرم و ایجادکنندگان مارپیچ معانی نیستند. آنان با طرح ایده‌ی کالایی شدن جرم و کنترل آن نشان دادند که به موازات سنخ‌بندی‌های ممنوعه‌ی قانونی، رسانه‌ها نیز به ابزاری برای ساخت معنای جرایم و جهت‌بخشی به ادراک عمومی نسبت به جرم تبدیل گردیده‌اند. در دنیای به شدت کنترل‌شده‌ی معاصر که بر مدار فرهنگ کنترل می‌چرخد، محصولات جنایی رسانه‌ای به زندگی روزمره‌ی بسیاری از افراد راه یافته و بخشی از اقتصاد صنعت رسانه و سرگرمی بر مصرف غیرمستقیم تجربه‌های جنایی وابسته است. در همین راستا، با تحلیل سریال سی‌قسمتی نهنگ آبی نشان دادیم که معنای جرم هک، به واسطه‌ی مصرف محصولات رسانه‌ای نیز ساخته می‌شود. رسانه‌های سرگرمی‌ساز می‌توانند ابعاد واقعی خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه را در قالب شخصیت‌هایی جذاب رسانه‌ای بازنمایی کنند. بخشی از تصویر بازنمایی‌شده از هکر، مطابق با واقعیت موجود است. بنابر پژوهش‌های مردم‌شناسی مجازی ما نیز، برخی از هکرها، دانشجویان یا تحصیل‌کرده‌های رشته‌های گوناگون، به ویژه کامپیوتر، هستند که همچون شخصیت هکر نمایش داده‌شده در این سریال، از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند، توسط بزرگسالان قدرتمند تحقیر شده‌اند و در عین حال، ذهنی خلاق دارند.

کارگردان، همسو با واقعیت، هکر را به مثابه‌ی مرزبازی به تصویر می‌کشد که آگاهانه هک را به مثابه‌ی شغلی پرخطر در دنیای پرتلاطم معاصر برگزیده است. او شخصیتی شبیه به بسیاری از جوانان ارائه می‌دهد که می‌تواند منجر به همزادپنداری مخاطب شود. هکر خیالی این فیلم، همانند بسیاری از هکرها در دنیای واقعی، با کسب منفعت ناشی از مرزبازی مجرمانه، احساس شکوفایی و قدرت می‌کند. این احساس، به تعبیر مید، برخاسته از تکانش‌های من‌اندami وی است که در لحظات سرنوشت‌ساز، منجر به رهاندن مرزباز از مهلکه می‌شود. ترکیب مهارت، رفتارهای تکانشی خلاقانه و مشکلات اقتصادی هکر را به سمت جاه‌طلبی‌های بیشتری در حرفه‌ی مجرمانه سوق می‌دهد و در نهایت، حادثه‌ی استعاری

مرگ نهنگ، اتفاق می‌افتد. مرگ استعاری نهنگ در این فیلم می‌تواند هشدار برای تغییر رویکرد نسبت به برخی از جوانان باشد. در دنیایی که سرمایه‌داری بی‌محابا جرم را به درون خانه‌ها، گوشی‌های تلفن همراه و رایانه‌های شخصی وارد ساخته و ابایی از ایجاد وسوسه‌ی مجرمانه ندارد، در دنیایی که جوانان به مثابه‌ی مسئله نگریسته می‌شوند و با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی‌شماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، نهنگ‌های بالقوه‌ی بسیاری می‌توانند ایجاد شوند. جرم‌شناسی فرهنگی از همه‌ی کنشگران (اعم از جرم‌شناسان، صاحبان رسانه‌ها، صنایع مرتبط با دانش امنیت و کارگزاران نظام عدالت کیفری) می‌خواهد به سهم خود هوشیار باشند، بزهدکارآفرینی نکنند و در جهت تضعیف، و نه تشدید، مارپیچ‌های تشدیدکننده‌ی بزهدکاری حرکت نمایند.

Zahra Farhadi Alashti  <http://orcid.org/0000-0001-9543-6541>

Abdolreza Javan Jafari  <http://orcid.org/0000-0002-9253-5330>
Bojnordi

Seid Mahdi Seidzadeh  <http://orcid.org/0000-0003-3097-8459>
Sani

منابع

الف. فارسی

- آرون، ریمون. (۱۳۹۰). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی* (مترجم باقر پرهام). تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقایی، سارا. (۱۳۹۷). «کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم». *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۶ (۱۱).
- الله‌وردی، فرهاد و فرجی‌ها، محمد. (۱۳۹۳). «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمز‌گذاری و رمز‌گشایی مستند شوک». *مجله‌ی جهانی رسانه*، ۹ (۱).
- الله‌وردی، فرهاد. (۱۳۹۳). *رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان*. رساله‌ی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- بک، اولریش. (۱۳۹۷). *جامعه‌ی خطر: به سوی مدرنیته‌ای نوین*، (ترجمه‌ی رضا افاضل و مهدی فرهمندنژاد). تهران، ثالث.
- جام‌جم آنلاین. (۱۳۹۸). «رئیس پلیس فتا اعلام کرد: کلاهبرداری اینترنتی ۶۰ درصد جرایم سایبری». بازیابی شده از <https://jamejamonline.ir/005B9F> ، تاریخ دسترسی ۵ دی ۱۴۰۰.

راديو گفتگو. (۱۴۰۰). «کاهش سن جرایم رایانه‌ای / وجود کودکان هکر زیر ۱۰ سال در کشور». بازیابی شده از <http://seda.ir/sh/?3359432>، تاریخ دسترسی ۵ دی ۱۴۰۰.

صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۹۳). «فرا تر از رویکردهای متعارف: قتل به مثابه‌ی کنش متقابل». *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه‌ی علوم اجتماعی سابق)*. (۲) ۲۱.

ضیمران، محمد. (۱۳۷۹). *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*. تهران، انتشارات هرمس.
فرجیها، محمد. (۱۳۸۵). «بازتاب رسانه‌ای جرم». *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*. ۶ (۲۲).
گارلند، دیوید. (۱۳۹۷). *فرهنگ کنترل: جرم و نظم اجتماعی در جامعه معاصر*، (ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی). تهران، میزان.

مارکس، ک؛ انگلس، ف و پلخانف، گ. (۱۳۸۶). *لودویگ فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی*، (ترجمه‌ی پرویز بابایی). چاپ سوم، تهران، نشر چشمه.

مگواير، مایک؛ گان، رادمور؛ رینر، رابرت. (۱۳۸۹). *دانشنامه‌ی جرم‌شناسی آکسفورد* (دکتر حمیدرضا ملک محمدی)، جلد اول. تهران، میزان.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران، سخن.
وبر، ماکس. (۱۳۸۵). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* (ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی). تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ب. انگلیسی

Altheide, D. (1987). 'Ethnographic content analysis'. *Qualitative Sociology*, 10(1), 65–77.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). 'Using thematic analysis in psychology'. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.

Creswell, J. W. (2013). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing among Five Approaches* (3rd ed.). California: SAGE.

Crowdstrike. (2019). *CrowdStrike Annual Threat Report Details Attacker Insights and Reveals Industry's First Adversary Rankings*. Retrieved from <https://www.crowdstrike.com/press-releases/crowdstrike-annual-threat-report-details-attacker-insights-and-reveals-industrys-first-adversary-rankings/>. Access date June 1, 2022.

- Chiesa, R., Ducci, S., & Ciappi, S. (2008). *Profiling Hackers: The Science of Criminal Profiling as Applied to the World of Hacking*. Florida: CRC Press.
- Coleman, G. E. (2013). *Coding Freedom: The Ethics and Aesthetics of Hacking*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Farrington, D.P. (1996). *Understanding and Preventing Youth Crime*. York: Joseph Rowntree Foundation.
- Ferrell, J. (1997). 'Criminological verstehen: Inside the immediacy of crime'. *Justice Quarterly*, 14 (1), 3-23.
- Ferrell, J. (1999). 'Cultural Criminology'. *Annual Review of Sociology*, 25, 395-418.
- Ferrell, J. (2010). Cultural criminology: The loose can(n)on. In: McLaughlin E, and Newburn, T. (eds). *SAGE Handbook of Criminological Theory*. London: SAGE.
- Ferrell, J. (2013). 'Cultural Criminology and the Politics of Meaning'. *Critical Criminology: An International Journal*, 21(3), 257-271
- Ferrell, J. & Sanders, C. R. (1995). Culture, Crime and Criminology. In J. Ferrell, & C. R. Sanders(Eds.), *Cultural Criminology* (pp. 169-190). Boston: Northeastern University Press.
- Ferrell, J., Hayward, K., & Young, J. (2008). *Cultural Criminology: An Invitation*. London: SAGE.
- Feyerabend, P. (1993). *Against Method*. London: Verso.
- Hayward, K., & Young, J. (2012). Cultural Criminology. In M. Maguire, R. Morgan, & R. Reiner (Eds.), *The Oxford Handbook of Criminology* (5th ed.) (pp. 113-138). Oxford University Press.
- Goldsmith, A., & Wall, D. S. (2019). 'The seductions of cybercrime: Adolescence and the thrills of digital transgression'. *European Journal of Criminology*, 17, 1-20.
- Gove, W. R. (1994). 'Why we do what we do: A biopsychosocial theory of human motivation'. *Social Forces*, 73 (2), 363-394.
- Hall, S. (1980). 'Cultural studies: two paradigms'. *Media, Culture & Society*, 2(1), 57-72.
- Hayward, K. (2010). Opening the lens: Cultural criminology and the image. In Hayward, K., & Presdee, M (Eds.), *Framing Crime: Cultural Criminology and the Image* (pp. 1-16). Oxford, UK: Routledge.
- Hayward, K. (2012). 'Five Spaces of Cultural Criminology'. *The British Journal of Criminology*, 52 (3), 441-462.
- Hayward, K., & Young, J. (2004). 'Cultural criminology: Some notes on the script', *Theoretical Criminology*, 8(3), 259-273.

- Hayward, K., & Young, J. (2012). Cultural Criminology. In M. Maguire, R. Morgan, & R. Reiner (Eds.), *The Oxford Handbook of Criminology* (5th ed.) (pp. 113-138). Oxford University Press.
- Hayward, K., & Schuilenburg, M. B. (2014). To Resist = to Create? Some Thoughts on the Concept of Resistance in Cultural Criminology. *Tijdschrift over cultuur & criminaliteit*, 4(1), 22-36.
- Hollander, J., & Einwohner, R. (2004). Conceptualizing resistance. *Sociological Forum*, 19(4), 533-554.
- Holt, T. J. (2005). Hacks, cracks, and crime: an examination of the subculture and social organization of computer hackers. Ph.D. Thesis, University of Missouri-St. Louis, St. Louis, MO.
- Holt, T. J. (2010). Becoming a Computer Hacker: Examining the Enculturation and Development of Computer Deviants. In P. Cromwell (Eds.), *Their Own Words: Criminals on Crime: An Anthology* (pp.109–23). Roxbury Publishing.
- Jordan, T., & Taylor, P. (1998). 'A Sociology of Hackers'. *The Sociological Review*, 46(4), 757–780.
- Lyng, S. (1990). 'Edgework: A Social Psychological Analysis of Voluntary Risk Taking'. *American Journal of Sociology*, 95(4), 851–886.
- Manning, P. (1998). Media loops. In K. Hayward. (Ed.), *Cultural Criminology* (pp 210-224). Oxford, UK: Routledge.
- Merton, R. K. (1938). 'Social Structure and Anomie'. *American Sociological Review*, 3(5), 672–682.
- Merton, R. (1957). *Social Theory and Social Structure*. New York: Free Press.
- Presdee, M. (2004). 'Cultural Criminology: The Long and Winding Road'. *Theoretical Criminology*, 8(3), 275–285.
- Richards, I., & Wood, M.A. (2018). 'Hacktivists against terrorism: A cultural criminological analysis of Anonymous' anti-IS campaigns'. *International Journal of Cyber Criminology*, 12(1): 187–205.
- Saldaña, Johnny. (2013). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. California: SAGE.
- Sibley, D.A (2002). *Geographies of exclusion: Society and difference in the West*. London: Routledge.
- Taylor, P. A. (2005b). 'From Hackers to Hacktivists: Speed Bumps on the Global Superhighway?' *New Media & Society*, 7(5), 625–646.
- Steinmetz, K. (2016). *Hacked: A Radical Approach to Hacker Culture and Crime*. New York: New York University Press.
- Tunnell, K. (1992). 'Film at Eleven: Recent Developments in the Commodification of Crime'. *Sociological Spectrum*, 12, 293–313.

- Taylor, P. A. (2005b). 'From Hackers to Hacktivists: Speed Bumps on the Global Superhighway?' *New Media & Society*, 7(5), 625–646.
- Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*. Berkeley: University of California Press.
- Yar, M. (2010). Screening crime: Cultural criminology goes to the movies. In: Hayward, K.J., Presdee, M. (Eds.) *Framing Crime: Cultural Criminology and the Image*. London: Routledge.

Translated References Into English

- Aron, Raymond, *Main Currents in Sociological Thought*, 10th Publication, (Tehran: Elmi Farhangi Pub, 1390), [In Persia]
- Jame Jam online. FATA police chief announced: Internet fraud accounts for 60% of cyber Crimes, Retrieved from <https://jamejamonline.ir/005B9F>, Access date June 1, 2022, [In Persia]
- Aghaei, Sara, (2018). "Using Cultural Criminology in Analysis Minor and Juvenile Delinquency by Relay on Carnival, Adrenaline and Second Life Concepts", *Journal of Criminal Law and Criminology*, 6,11, (1397), [In Persia]
- Allahverdi, Farhad; Farajiha, Mohammad, "Media Criminalization: Encoding and Decoding the Shock Documentary", *Global Media Jurnal*, 9, 1 (1393), [In Persia]
- Allahverdi, Farhad, *The Approach of Cultural Criminology to the Youth Offences*, Tarbiat Modares University, (1393), [In Persia]
- Beck, Ulrich, *Risk Society: Towards a New Modernity*, 1st Publication, (Tehran: Sales Pub, 1397), [In Persia]
- Farajiha, Mohammad, 'The Media Reflection of Crime', *Social welfare*, 6, 22 (1385), [In Persia]
- Garland, David, *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*, 1st Publication, (Tehran: Mizan Pub, 1397), [In Persia]
- Marx, Karl; Engels, Friedrich, *The German Ideology*, 3rd publication (Tehran: Cheshmeh Pub, 1386), [In Persia]
- Maguire, Mike; Morgan, Rod; Reiner, Robert, *Oxford Handbook of Criminology*, 1st Vol, 1st Publication, (Tehran: Mizan Pub, 1389), [In Persia]
- Namvar Motlagh, Bahman, *An Introduction to Intertextuality: Theories and Applications*, 2end Publication, (Tehran: Sokhan Pub, 1394), [In Persia]
- Radio Goftogo, Decreasing the age of computer crimes/ the existence of hacker children under 10 years' old, Retrieved from <http://seda.ir/sh/?3359432>, Access date June 1, 2022, [In Persia]

بازنمایی رسانه‌ای هکر به مثابه‌ی مرزباز: ...؛ فرهادی آلاشتی و دیگران | ۱۹۱

- Sadeghi Fassaei, Soheila, "Beyond Conventional Approaches: Murder as Interaction", *Sociological Review*, 21, 2 (1395), [In Persia]
- Weber, Marx, *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, 1st Publication, (Tehran: Elmi Farhangi Pub, 1385), [In Persia]
- Zeimaran, Mohammad, *Jacques Derrida and the metaphysics of presence*, (Tehran: Hermes Pub, 1379), [In Persia]

استناد به این مقاله: فرهادی آلاشتی، زهرا؛ جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی. (۱۴۰۲). بازنمایی رسانه‌ای هکر به مثابه‌ی مرزباز: به سوی تحلیل جرم‌شناسانه‌ی فرهنگی سریال نهنگ آبی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۳)، ۱۵۵-۱۹۱. doi: 10.22054/jclr.2023.68449.2491



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.